

درآمدی بر اقتصاد اسلامی

... .. آیه الله موسوی اردبیلی

چکیده:

در این گفتار به چند کلی اشاره می‌کنیم: اولاً بررسی، تحقیق و مطالعه در اقتصاد اسلام و ضرورت آن برای هر انسان مسلمان و حتی برای محقق بی‌طرفی نیز روشن و واضح است. ثانیاً: همان طور که از عنوان این نوشته پیدا است، هدف ما اشاره به بعضی از موارد کلی در مقوله اقتصاد اسلامی است. لذا نباید انتظار یک بحث جامع از آن داشت. ثالثاً: ما معتقدیم اسلام دارای نظام اقتصادی است. و آن نظام اهدافی دارد و برای تحقق آن اهداف، یک سلسله ابزارها نیز در اختیار دارد. رابعاً: به نظر ما مطالعه و بررسی در اقتصاد اسلام، روش‌های خاص خود را نیز دارا می‌باشد. در این مقاله کوتاه در نظر داریم اجمالاً به موارد مذکور اشاره کنیم.

مقدمه:

در باره اقتصاد اسلامی سخنان بسیاری گفته شده است. در کتابنامه‌هایی که در این رابطه منتشر گردیده، به صدها کتاب و هزاران مقاله، پیرامون اقتصاد اسلامی اشاره شده است. علاوه بر این سمینارها و کنفرانس‌های متعددی در سطح داخلی و خارجی برگزار شده و هنوز برقرار می‌گردد. اما متأسفانه تا کنون نتایج مطلوبی حاصل نشده است. نه تعریفی مناسب از اقتصاد اسلامی صورت گرفته است، نه نظام اقتصاد اسلامی به شکلی اصولی تبیین گردیده است، و نه روش‌هایی دقیق برای مطالعه و بررسی در اقتصاد اسلام تدوین شده است. هدف ما در این نوشته این است که در قالب یک بحث ابتدایی تا حد ممکن به رفع نواقص فوق مبادرت کنیم. البته در این زمینه باید تأکید کنیم که ادعایی نداریم که حرف آخر را زده باشیم، لذا از صاحب نظران و علاقه‌مندان به بحث‌های اقتصاد اسلام چه در حوزه و چه در دانشگاه انتظار داریم با پیشنهادات و انتقادات علمی خود، ما را یاری دهند تا بتوانیم تصویری کلی و منسجم از اقتصاد اسلامی ارائه دهیم. همان طور که اشاره شد با وجودی که تلاش‌های زیادی در این زمینه صورت گرفته است، اما همچنان موضوع مذکور نیاز به بازنگری و تدوین دقیق دارد.

تعریف اقتصاد اسلامی و تأثیر نهادها بر اقتصاد

با توجه به این که علم اقتصاد فعلی در واقع علم بررسی پدیده‌های دوران سرمایه داری است و انسان آن دوره و فروض و شرائط همان دوران مبنای آن بوده است، ویژگی‌های مخصوص به خود دارد.

نحوه تفکر انسان، او ما نیستی بوده رفتارهای تولیدی و توزیعی‌اش متناسب با همان اندیشه است. انسان آن دوره در اصل، انسانی است که اصالت را از خدا گرفته و به خود بخشیده است. لذا این اقتصاد نمی‌تواند همان اهداف و اصولی را داشته باشد که یک اقتصاد اسلامی دارا است. انسان مسلمان معتقد به اصالت خدای تعالی، مالکیت او و قانونگزاری از ناحیه او می‌باشد. در مکتب اسلام انسان در تمامی رفتارهایش در جستجوی کسب رضای خدا می‌باشد و به دنبال اشباع انگیزه‌های فردی و شخصی و ارضای حسّ افزون‌طلبی نیست؛ به عبارت دیگر غایت تکاپوی انسانی در فرهنگ اسلامی، قرب به خدا است. در نتیجه نمی‌توان پذیرفت همان تئوریه‌ها، الگوها، روابط موجود بین متغیرها، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌هایی که در اقتصاد سرمایه داری حاکم است در اقتصاد اسلام نیز حاکم باشد. بنابراین حتی تعریف اقتصاد اسلامی با تعریف اقتصاد در چارچوب سرمایه داری متفاوت خواهد بود. (۱) به نظر ما، مناسب است که اقتصاد اسلامی به این صورت تعریف شود:

«اقتصاد اسلامی عبارت است از یک سلسله دستورات و قوانین شرعی که در ارشاد و هدایت مردم در امر تولید و توزیع و خدمات و مصرف صحیح به منظور جلوگیری از مشکلات مادی و رفع نیازمندی‌ها و از بین بردن فقر و استضعاف و جلوگیری از تکاثر، براساس حق و عدل به نحوی منسجم تدوین شده‌اند.» با توجه به مضمون تعریف فوق ملاحظه می‌شود که عناوین و موضوعات و کاربردهای اقتصادی در اسلام ضمن این که می‌تواند مشترکاتی با سایر نظام‌های اقتصادی داشته باشد، دارای خصوصیات منحصر بفرد نیز باشد. همین که در این تعریف قانونگذار اصلی شارع مقدس می‌باشد، یک تفاوت کلیدی بین اسلام و غیر اسلام خواهد بود. اما در عین حال می‌توان جنبه‌هایی از زندگی اقتصادی را نشان داد که اسلام و غیر اسلام در آن برخوردار یکسانی داشته باشد. مثلاً در جایی که بحث روشهای تولید و توزیع و کاربرد یا عدم کاربرد تکنولوژی است، اسلام و غیر اسلام می‌توانند ابزارهای مشترکی داشته باشند. امروزه کلیه نظام‌های اقتصادی جهان از تکنولوژی صنعتی تقریباً استفاده واحدی می‌کنند. آنچه برای آمریکا، انگلیس و دیگر کشورهای صنعتی و نیز به نحو روز افزونی برای ایران، چین و هندوستان (که در حال صنعتی شدن هستند) مشترک است، تکنولوژی صنعتی است که تولید با مقیاس بزرگ را مورد تأکید قرار می‌دهد. به عبارت دیگر تکنولوژی صنعتی تا حدود قابل توجهی از لحاظ ایدئولوژی بیطرف است. کشورهای سرمایه‌داری، سوسیالیستی و اسلامی، همگی می‌توانند از خطوط تولید یکسانی استفاده کنند. مهندس، خواه در آمریکا باشد یا در روسیه و یا در هر جای دیگر، با مسایل تکنیکی تقریباً واحدی مواجه است.

اما علاوه بر قالب تکنولوژیک، در همه نظام‌های اقتصادی، یک سری امور نهادی و امور ایدئولوژیکی نیز مطرح است. این جا می‌خواهیم تأکید کنیم که تفاوت‌های موجود در نظام‌های اقتصادی، بیشتر به

این دو جنبه مربوط می‌شود. نهادهایی مانند، مالکیت، سیستم پولی، واحدهای تولیدی، سازمان‌های کارگری، سیاست‌گذاری‌های دولتی و امور مشابه که در کشورهای مختلف بسیاری از خدمات اقتصادی را انجام می‌دهند، براساس نظام‌های حاکم بر آن کشورها متفاوت می‌باشند. قالب نهادهای مذکور در کشورهای سرمایه‌داری مبتنی بر مالکیت خصوصی است و در کشورهای سوسیالیستی (سابق) بر مبنای مالکیت دولتی است.

این نهادها با این که ممکن است از جهات اجرایی و کارشناسی، باز هم مسایل مشترکی در همه نظام‌ها (سرمایه داری، سوسیالیستی و اسلامی) در برداشته باشند، اما هر یک تحت تأثیر مبانی ایدئولوژی خاصی می‌توانند قرار گیرند. ایدئولوژی یا مجموعه عقاید و افکار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که هر ملت در نتیجه تأثیر متقابل افراد و گروه‌ها و محیط فرهنگی خود دارا می‌باشد، می‌تواند بر تمامی واحدهای اقتصادی یک کشور و نحوه ارتباط و پیامدهای کلی آن‌ها سایه افکند. لذا یک فرق اساسی بین اقتصاد اسلامی و سایر نظام‌ها نیز در همین بستر قرار دارد؛ که در بحث اهداف و اصول اشاره بیشتری به آن می‌شود.

اهداف و اصول اقتصاد اسلامی

اهداف اقتصاد اسلامی با ایدئولوژی آن پیوندی ریشه‌ای دارد. البته می‌توان نشان داد که این ارتباط و پیوند اهداف و ایدئولوژی، مختص اسلام نبوده و در سایر نظام‌ها نیز چنین است. ایدئولوژی است که در نظام سرمایه‌داری رهنمود حاکمیت بخش خصوصی و مکانیسم بازار را می‌دهد. ایدئولوژی است که در نظام‌های متمرکز، جهت‌گیری اقتصادی را بسوی دولتی‌شدن ترسیم می‌کند. و ایدئولوژی است که با بیان حساسیت‌های مربوط به اهداف و اصول اقتصاد اسلامی، تقاضای برنامه‌ریزی در راستای تحقق آن اهداف و اصول را دارد. همین حساسیت‌های ایدئولوژیک است که عدالت اجتماعی، مبارزه با فقر و استضعاف و مبارزه با ثروت اندوزی را در نظام اسلامی به عنوان پایه حرکت اقتصادی تدوین می‌نماید.

دین اسلام، دین تربیت و هدایت انسان‌ها است و برای رساندن انسان به کمال مطلوب تشریح شده است. ضمن توجه به جنبه‌های معنوی، به اقتصاد نیز نظر خاصی دارد. در این رابطه اسلام از طرفی دارای اهداف و اصولی اقتصادی روشن است و از طرف دیگر اصول و اهداف مذکور منسجم و هماهنگ هستند. در مرحله نهایی اسلام برای حصول اهداف و اصول مورد نظر، دارای ابزار و وسایلی نیز می‌باشد. در این جا ضمن اشاره به بعضی از اهداف، به تعدادی از ابزارها نیز اشاره می‌کنیم. قبل از اشاره به آیات و روایاتی در این زمینه بطور کلی متذکر می‌شویم: اصول پایه‌ای اسلام می‌تواند شامل: عدالت، ریشه‌کنی فقر و استضعاف، منع ثروت اندوزی، منع استثمار و امثال آن باشد. و برای حصول

این اهداف، اسلام بر ابزارهایی از قبیل: منع اسراف و تبذیر، منع اختلاس و احتکار، منع ربا و رشوه، توزیع عادلانه ثروت‌ها و درآمدها، استفاده از انفال و ثروت‌های عمومی، برنامه‌ریزی در کشاورزی و دامپروری برای رفع نیازهای اولیه، انفاقات و صدقات و زکوات و اخماس توجه به کار مفید اقتصادی (و اهمیت به حقوق کارگر)، و دیگر وسایل استوار می‌باشد.

نمونه‌های از آیات شریفه قرآن را در تأیید پایه‌های مورد نظر در اقتصاد اسلام ذکر می‌کنیم. بدیهی است اشاره به آیات مذکور صرفاً جنبه تذکر داشته، بیانگر انحصار این آیات به موارد بحث نمی‌باشد. در این جا به چند دسته از آیات اشاره می‌شود:

دسته اول: آیاتی هستند که می‌توان براساس آن‌ها درک کرد که جامعه‌ای را پیشنهاد می‌کنند که براساس عدل بوده، دور از هر نوع تعدی و تجاوز می‌باشد. در یکی از این آیات آمده است: (ان الله يأمر بالعدل و الاحسان و ایتاء ذی القربی...)(۲) در این آیه خداوند فرمان به عدل و نیکوکاری می‌دهد و در ارتباط با رسیدگی به ارحام و خویشان تأکید می‌نماید و یا در جایی دیگر می‌فرماید:

(و لایجرمنکم شئان قوم علی الا تعدلوا، اعدلو هو اقرب للتقوی...)(۳)

«کردار ناپسند گروهی شما را وادار نکند که از مسیر عدالت بیرون روید، بلکه به عدالت حکم کنید که به پرهیزگاری نزدیکتر است.»

دسته دوم، آیاتی است که توجه به ریشه‌کنی فقر و استضعاف مالی دارد. برای نمونه می‌توان اشاره کرد به:

(أرأیت الذی یکذب بالذین فذلک الذی یدع الیتیم و لا یحض علی طعام المسکین)(۴)

«آیا دیدی آن که دین را باور نداشت، پس او همان است که یتیم را به حال خود رها نمود و برای اطعام بیچارگان تشویق و ترغیب ننمود؟»

دسته سوم: آیاتی را در بر می‌گیرد که به منع ثروت اندوزی و مبارزه با انباشت ثروت (بطور راکد) توجه دارد. از این آیات می‌شود اشاره کرد به (الهیکم التکاثر)(۵) و همین طور به سلسله آیات (ویل لکل همزة لمزة الذی جمع مالاً و عدده یحسب انّ ماله اخلده)(۶) که در آیه اولی با اعلام نوعی هشدار به هر نوع ثروت اندوزی و تکاثرطلبی است. و در آیات بعد می‌فرماید «وای بر هر عیب‌جوی هرزه زبان، آن کسی که اموال را گرد آورده همواره بر شمارش آن سرگرم بوده، گمان می‌برد که این مال است که او را جاودان گرداند.»

دسته چهارم: آیاتی که به منع استثمار و بهره‌کشی اشاره می‌کند. مفاد بعضی از آیات، کم فروشی و نوعی دزدی در معاملات و ضایع نمودن اموال مردم را مورد نهی قرار می‌دهد که به نظر ما به نحوی از مصادیق استثمار می‌باشد. مثلاً این آیه شریفه:

(و زنوا بالقسطاس المستقیم و لا تبخسوا الناس اشیائهم و لا تعثوا فی الارض مفسدین)(۷) «که ای مردم آنچه می‌فروشید با سنگ تمام بدهید و از کم فروشی حذر کنید (و اموال مردم را برگردانید) و با این وضع بذر فساد در زمین نپاشید.»

و یا در آیه دیگر می‌فرماید:

(و لا تنسَ نصیبک من الدنیا و احسن کما احسن اللّهُ الیک و لا تبغ الفساد فی الارض)(۸) یعنی (بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن و تا می‌توانی به خلق خدا نیکی کن و در روی زمین خواهان فساد مباش.)

دسته پنجم: آیاتی که در ارتباط با رفع اختلافات طبقاتی بوده و تأکید بر چرخش سرمایه در دست همگان دارد. در یکی از این آیات پس از دستور در مورد تقسیم فیء می‌فرماید:

(... کی لا یكون دولةً بین الاغنیاء منکم...)(۹) (... من فیء را به اشخاص معین از مستضعفین

اختصاص دادم تا موجب افزایش، ثروت و ثروتمندان نباشد.)

دسته ششم: آیاتی که توجه به دوری از اسراف و تبذیر و مقابله با مصرف‌گرایی دارد. از جمله این

آیات، آیه شریفه (... و اهلکنا المسرفین)(۱۰) است که می‌فرماید «ما اسراف کنندگان را به هلاکت

رساندیم.» و نظر این، (کلوا و اشروا و لا تسرفوا)(۱۱) می‌باشد که از اسراف منع می‌فرماید.

تذکر نهایی در این قسمت این است که اولاً: ما تنها به یک مجموعه از آیات شریفه اشاره کردیم. و همان طور که گفتیم صرفاً بعنوان بیان مواردی از توجه قرآن به اقتصاد بود و در یک بحث تکمیلی می‌توان موارد فراوانی از دیگر آیات و روایات را ضمیمه ساخت. ثانیاً: فقط به ترجمه ساده آیات مورد بحث اکتفا نمودیم. و می‌توان در بحث مستقلی به استدلال آیات مذکور و تفسیر آن‌ها پرداخت. چون هدف در این نوشته (همان طور که قبلاً نیز اشاره شد) صرفاً درآمدی بر اقتصاد اسلام، است و به همین موارد بسنده می‌نماییم.

روش پژوهش و بررسی در اقتصاد اسلامی

در این جا بطور اختصار و فهرستوار به روش‌هایی اشاره می‌کنیم که به نظر ما برای انجام یک تحقیق جامع در اقتصاد اسلامی مفید می‌باشد. موارد مذکور هم روش‌های مطالعه متون اسلامی را در بردارد، و هم تذکراتی به محققان می‌باشد. در ضمن چون برای یک بررسی همه جانبه در اسلام لازم است به مقدار کفایت از امور اقتصاد روز اطلاعاتی در دست باشد، در میان روش‌های ذیل به گوشه‌هایی از این امور هم اشاره شده است.

تذکر پایانی این که این روش‌ها همانند خود این مقاله کاملاً کلی است و در یک مقاله جداگانه‌ای

می‌توان شیوه‌هایی اجرایی و ریز آن‌ها را در چارچوب استدلال فقهی و اقتصادی بیان نمود.

- ۱- مطالعه و بررسی در متون اسلامی از کتاب و سنت، فقه و سیره، تاریخ اسلام و تاریخ مسلمین صدر اسلام، مطالعه هر آنچه مربوط به معیشت و زندگی و روابط مالی و مادی مسلمین بوده است. مثلاً بررسی خمس، زکات، انفال، صدقات، انفاق، ارث، ربا، احتکار، احیاء اموات؛ مالکیت‌های خصوصی و عمومی.
- ۲- بررسی مطالبی در مورد قناعت، اسراف، تبذیر، ساده زیستی تجمل پرستی، مسأله ظروف طلا و نقره، آلات و ابزارهای طلا و نقره، تزئینات طلا و حریر برای مردها، بررسی کار در اسلام، تجارت در اسلام، کشاورزی و زراعت، خرید و فروش و اجاره، بحث شرکت، قالب کلی حقوق مالی و موضوع قرض الحسنه.
- ۳- بررسی قواعد فقهی - مالی مانند: قاعده تسلیط، احکام عقود، بحث اتلاف اموال و ضمان، مسأله مالیت کالاها و مطالعه چارچوب بازار در اسلام و امثال آن.
- ۴- بازنگری مفاهیم فوق با در نظر گرفتن تحولات زمان و نیازهای روز. مثلاً بازنگری در مورد مصرف خمس، تعیین مقدار زکات و تعیین محدوده کالاها و اموال مشمول زکات، بررسی مجدد احکام انفال، بررسی ملک و حق و حکم، بررسی احکام مالکیت، بررسی دقیق و جدید احتکار و ربا و احیاء اموات در زمان‌های فعلی.
- ۵- تحقیق پیرامون موضوعات مستحدثه، از قبیل: حکومت، ولایت مستقیم و غیر مستقیم، تنظیم خانواده، مسأله جمعیت، بیمه، شرکت‌های تضامنی و تعاونی، شخصیت‌های حقوقی، قراردادهای بین المللی، مقاله نامه‌ها، قالب کلی روابط کارگر و کارفرما، بررسی مستقل پدیده ماشین و ماشینیسیم و پیامدهای آن.
- ۶- شناخت و مطالعه دقیق شرکت‌های چند ملیتی، نحوه کارکرد و تکنیک‌های خاص اجرایی آن‌ها، تحقیقی مستقل در مورد ضرورت نظام بانکی، بررسی چارچوب گردش پول، بررسی ارتباط بازرگانی داخلی و خارجی، بررسی تراسرها و کارتل‌ها، بررسی جوانب مختلف استقراض خارجی و آثار آن.
- ۷- بررسی ارزش پول داخلی، ارتباط پول داخلی و خارجی، مشخص نمودن چارچوب تولید داخلی، بررسی ثروت‌های ملی، درآمد سرانه.
- ۸- شناسایی نقش انسان به عنوان محور اساسی مطالعه علوم اجتماعی (و من جمله اقتصاد) هم از دید اسلامی و هم از نظر رفتارهای واقعی آن.
- ۹- نقد و مطالعه نظام‌های اقتصادی موجود جهت مقایسه با مکتب اقتصادی اسلام.
- ۱۰- پس از بررسی موضوعات مذکور در متون دینی و اقتصادی، وظیفه محقق این است که تلاش کند اولاً: ارتباط بین آن‌ها را ارزیابی کند و ثانیاً: کوشش نماید که حکم شرعی آن‌ها را استخراج نماید.

۱۱- باید توجه داشت که تنها رجوع به کتب فقهی برای استخراج حکم شرعی کافی نیست؛ زیرا ممکن است موضوعاتی باشد که در کتب فقهی عنوان نشده باشند اما از منابع اولیه قابل استخراج باشند.

۱۲- یک تذکر به محقق در این مباحث این است که جانب تعادل را حفظ کرده، از افراط و تفریط دور باشد. به عبارت دیگر از روشنفکری به اصطلاح روز احتراز کند و هر احتمال را به اسلام نسبت ندهد. و از طرفی از تحجر هم دوری گزیند که آن هم آفت دیگری برای تحقیق محسوب می‌شود. گاهی در منابع اسلامی حکمی و دستوری مطرح شده، که از زوایای مختلف مورد توجه بوده است. و لازم است از جوانب مختلف بررسی شود و تنها به یک جنبه آن بسنده نگردد.

۱۳- تذکر دیگر به محققان در اقتصاد اسلام این است که توجه داشته باشند بحث‌ها ریشه‌یابی شوند. گاهی ممکن است یک موضوع از لحاظ اقتصادی یک نتیجه داشته باشد و از نظر فقهی آثار دیگری بر آن بار شود. ممکن است مثلاً بهره از نظر اقتصادی توجیه داشته باشد ولی در فقه نظر دیگری در مورد آن باشد. همین طور مسایلی از قبیل احتکار، استضعاف، تجمع ثروت، استعمار و استثمار و امثال آن‌ها. ۱۴- پس از طی کردن قدم‌های فوق و بررسی ارتباط بین آن‌ها و تشخیص فقهی و شرعی آن، می‌توان با کمک درک دقیق مبانی اسلام و اقتصاد و با شناخت همه جانبه مسایل جامعه، به ترسیم یک الگوی نسبتاً جامع برای اقتصاد اسلام مبادرت ورزید.

پی‌نوشت:

- (۱) جهت اطلاع از تعریف و یا تعاریف گوناگون علم اقتصاد، علاقه‌مندان می‌توانند به متون مدون اقتصادی مراجعه نمایند.
- (۲) سوره نحل، آیه ۹۳.
- (۳) سوره مائده، آیه ۸.
- (۴) سوره ماعون، آیه ۳-۱.
- (۵) سوره تکوین، آیه ۱.
- (۶) سوره همزه، آیه ۳-۱.
- (۷) سوره شعراء، آیه ۱۸۴-۱۸۳.
- (۸) سوره قصص، آیه ۷۷.
- (۹) سوره حشر آیه ۷.

(۱۰) سوره انبياء آيه ۹.

(۱۱) سوره اعراف آيه ۳۱.